

بایسته های تبلیغ

گفتگو با آیه الله جعفر سبحانی

می خواهد خداوند را به معاندین معرفی کند. آهنگش، آهنگ جدال است؛ «فلما رای کوکبا قال هذا ربی» کوکب را دید، گفت: این خدای من است. ابراهیم، به یک موجود، «ممکن» که در آسمان است می گوید: این خدای من است. حضرت، فرض طرف مقابل را ابتدا پذیرفت تا به آنها بفهماند که نظرش عناد نیست، نظرش واقع گرایی است. برای همین است که می فرماید: «هذا ربی» البته این حرف را جدی که نمی گفتند. اما اگر انسان بخواهد فرضیه ای را باطل کند، باید بداند که برای یک پدیده دهها فرضیه مطرح است، و مسلماً یکی از آن فرضیه ها علت اصلی است و بقیه علت واقعی نیست، اما یک محقق، باید یک یک این فرضیه ها را ابتدا (در ظاهر) فرض کند و آنها را باطل کند و در باطن منتظر نتیجه باشد. جدال ما نباید جدال پرخاشگری و دست و چنگ افکندن بر صورت خصم باشد. جدال حضرت ابراهیم هم از این گونه است. «فلما اقل، قال انی لاحب الاقلین». برادران! خدا باید همیشه باشد و ما در محضر خدا باشیم، نباید رابطه ما با خدا قطع شود، این کوکب که پنهان شد، از ما برید و آنکس که از ما برید، دیگر نمی تواند صاحب و مربی و پرورنده ما باشد. بنابراین در شیوه تبلیغ، مبلغ باید کارشناس و مخاطب شناس باشد، جای برهان را با نصیحت مخلوط نکند؛ جای موعظه را با جدال مخلوط نکند، آن وقت است که نتیجه می گیرد. از این جهت است که باید تبلیغ خودش مدرسه خاصی داشته باشد.

س: اگر بخواهیم برای تبلیغ مدرسه خاصی داشته باشیم، چگونه می توان به این مهم دست یافت؟

استاد سبحانی: گذشتگان ما، حدود هشتاد سال قبل، در هند «مدرسه الواعظین» را ساختند. آن مدرسه آثار بسیار زیبایی داشت و واعظان زبردستی را پرورش داد. در آنجا هر آنچه که برای یک واعظ لازم بود (چه از نظر مواد غذایی و چه مواد فحری) در اختیارش بود. حوشیعتیم که بحمدالله رب العالمین، در حوزه هم رشته تبلیغ برای خودش یک رشته اساسی شده است، ولی باید برنامه هایش را بازنگری کرد. باید دید که چه مقدارش مفید است و چه مقدارش مفید نیست. مبلغ را هم باید انتخاب کرد. در همه افراد ذوق تبلیغ نیست. تبلیغ یک نوع هنرمندی است و همه افراد نمی توانند هنرمند باشند. همه نمی توانند خطاط باشند. همه نمی توانند نقاش باشند. باید ذوق هنرمندی و نقاشی در فرد باشد. اگر بخواهیم مبلغ تربیت کنیم، اول باید مبلغ را گزینش کرد که آیا آهنگ صوتش مناسب تبلیغ هست یا نه؟ آهنگ و شیوه سخن گفتن و طن صدای مبلغ در مخاطب بسیار مؤثر است و کسانی که صدای خشن دارند و آهنگ خاصی ندارند، نمی توانند اثر بگذارند. پس هم باید گزینش در مبلغ باشد و هم باید برنامه باشد. مبلغ باید کارشناس باشد و روش ها را بشناسد.

س: با توجه به وضع موجود، خطابه و منبر تبلیغ را تا چه میزان برای طلاب و فضلاء محترم حوزه ضروری می دانید؟

استاد سبحانی: در قدیم الایام (زمان آیه الله بروجردی) نزدیک های ماه مبارک رمضان، خدمت استادمان حضرت امام (ره) رسیدم، ایشان در منزلشان زیر کرسی نشسته بودند. در آن جلسه صحبت های مختلفی شد. من خدمت ایشان عرض کردم: می خواهم به تبلیغ بروم، ولی اگر به تبلیغ بروم از درس باز می مانم، اگر اینجا باشم مباحثه می کنیم، درس می خوانیم و... ایشان جمله ای به این مضمون فرمودند: جناب میرزا! (ایشان به بنده می گفتند جناب میرزا) هیچ کار و شغلی برای روحانی با اهمیت تر از تبلیغ نیست. بنا نیست که همه ما در حوزه جمع بشویم و به خارج از حوزه برویم.

نکته دیگر اینکه: مبلغ باید مخاطب شناس باشد و راه تأثیر کلام را بداند. برای روشن تر شدن مطلب، یک نکته ارزشمند تاریخی را نقل می کنم. «عمر و بن عبیده» از سران معتزله است که همسال واصل ابن عطاء است و در سال (۲۴۳ ه ق) فوت کرده است. آن وقت ها معتزله دو

س: با تقدیر و تشکر از حضرتعالی که این فرصت را در اختیار ما گذاشتید تا نظرات شما را پیرامون شخصیت «مرحوم حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای فلسفی» و جایگاه «حوزه و تبلیغ» جوینا بشویم! ابتدا نظراتان را درباره شیوه های تبلیغ بفرمایید.

استاد سبحانی: بسم الله الرحمن الرحیم، والصلاة والسلام علی خیر خلقه و آله الطاهرين.

«ادعوا الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن»

شکی نیست که هر مکتبی (هر چند که جوهر صحیح و واقعیت استواری داشته باشد)، خودش دست و پای ندارد که در جامعه راه پیدا کند و در قلوب مردم جای بگیرد. طبیعاً باید این مکتب بشود و به جامعه ارائه بشود، آن هم به شیوه ای که قرآن بیان می فرماید.

قرآن کریم برای تبلیغ سه شیوه قائل است: یک شیوه، شیوه حکمت است. این شیوه برای کسانی است که از نظر عقل و رشد در مرحله بالایی هستند. باید با آنها با برهان و دلیل سخن گفت. «ادعوا الی سبیل ربک بالحکمة» حکمت همان کلام محکم و استوار است؛ و کلام محکم و استوار آن سخنی است که پایه های برهانی و عقلانی داشته باشد. باید با گروهی که از نظر فکر و اندیشه در سطح بالایی هستند، از طریق دلیل و برهان سخن گفت. قرآن مجید، به این جامعه عقلانی با برهانی روشن خطاب می کند: «انی الله شک فاطر السموات و الارض»، آیا در وجود خدا تردید دارید! درحالی که او آفریدگار آسمانها و زمین است. «فاطر» همان برهان وجود خداست. جهان با این نظام و سنن استوار و خلل ناپذیر نمی تواند برخاسته از خود ماده باشد؛ ناچار باید دستگاه و نظام دیگری باشد که ماده را به این شکل صورتگری نماید. در جای دیگر برهان روشن تر و کامل تر می آورد و می فرماید: «لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا». این برهان (برهان تمانع) را اولین بار قرآن مطرح فرمودند. در حال حال در جامعه ما طبقه ای روشنفکر، عالم، فاضل و محقق هستند، که اگر بخواهیم دین را برای آنها عرضه کنیم، باید از طریق برهان و دلیل باشد.

دسته دوم، طبقه ای از مردم هستند که از نظر عقل و اندیشه به این حد نرسیده اند؛ ولی کلامی را که نرم و دارای آهنگ نصیحت باشد می پذیرند. یعنی گوینده را برای خود پدری مشفق و مهربان تلقی می کنند. اینجا جنبه موعظه و نصیحت پیش می آید، ولی در عین حال که سخن آهنگ نصیحت و موعظه دارد، در لابلای آن می توان برهانی را که در خور شأن این افراد باشد به کار برد. سخن گفتن پدر و مادر یا فرزندان از این طریق است. سخن گفتن یک روحانی با گروهی که در اطرافش هستند و به او علاقه مند می باشند، از این نوع است. در این مورد قرآن می فرماید: با این گروه از طریق «موعظه»، آن هم «موعظه حسنه» سخن بگویید؛ یعنی: گفتاری که نیش نداشته باشد، محرک نباشد، و مطابق فطرت انسان باشد. در قرآن مجید، از این نوع آهنگها و سخنان، خیلی یافت می شود؛ حضرت ابراهیم به پدر می فرماید: «یا ایت لم تعبد ما لا یسمع ولا یتصور لا یفنی عنک شیئاً». «پدر جان! بطور پنهانی را که نمی بینند و نمی شنوند، می پرستی؟» این آهنگ، آهنگ نصیحت است؛ آهنگ لطف است؛ آهنگ، محبت است.

مرحله سوم، برای گروهی است که مجادل هستند، می خواهند سخن خود (ولو باطل) را بر کرسی بنشانند. مسلماً با مجادل باید از طریق مجادله وارد شد. البته مجادله هم نباید حالت خشونت و پرخاشگری به خود داشته باشد؛ بلکه باید با استفاده از مسلمات همان فرد، سخن او را باطل و حق را برای او معرفی کرد. جدال هم نباید به صورت خصمانه باشد چرا که در آن صورت روح عناد را در فرد زنده تر و روحیه مقاومتش را بیشتر می کند. باید با قیافه ای روشن و چهره ای باز، برهانی خود را با مسلمات او هماهنگ کرد و پیش رفت؛ مثلاً: حضرت ابراهیم خلیل وقتی

مکتب داشتند: مکتبی در بصره و مکتبی در بغداد و عمر و بن عبید در

بنابراین اگر معدل‌گیری کنیم، ایشان خطیبی است بلیغ، گوینده‌ای است توانا، گوینده‌ای است دلسوز، آگاه از درد و درمان. سلام الله علیه یوم ولد ویوم مات و یوم یبعث حی.
س: خطابه‌ها و منبرهای مرحوم فلسفی چه خصوصیتی داشت که او را نسبت به دیگران ممتاز ساخته بود؟
استاد سبحانی: اولاً: ایشان منبر را از آن حالت نقلی به حالت تحلیلی درآورد. ما منبری‌های قبلی را دیده بودیم، غالباً حالت نقلی داشتند.

ایشان در عین حال که به نقلیات تکیه می‌کرد، تحلیل زیادی هم ارائه می‌داد. در تاریخ هم تاریخ نقلی و تحلیلی داریم. تاریخ قدیمی، تاریخ نقلی است؛ مثل: تاریخ ناسخ و طبری. اما بعدها تاریخ به صورت تحلیلی در آمد. الان دیگر تاریخ نقلی صرف، بی‌ارزش است، البته تحلیلی بدون نقل هم بی‌ارزش است؛ تحلیل باید مستند به نقل باشد. ایشان منبر را به حالت تحلیلی در آورد. وقتی مسئله‌ای را مطرح می‌کرد، پیرامون آن آیه‌ای را می‌گفت، روایتی را می‌گفت، تحلیل هم می‌کرد. آیه و روایت را در نظر مردم مجسم می‌کرد.

ثانیاً: به نیازهای روز توجه می‌کرد و مطابق نیاز روز سخن می‌گفت؛ مثلاً: پس از سال ۴۱ و حادثه ۱۵ خرداد که گرایش مردم و جوانان به سوی معارف و مسایل دینی زیاد شد، ایشان بهترین موضوعی که انتخاب کرد، مسایل تربیتی کودک و جوان بود. شما به کتاب کودک ایشان نگاه کنید، کتاب به تمام معنی ابتکاری است، از آیات و روایات بهره گرفته است؛ از تاریخ و علوم مختلف بهره گرفته است. در حقیقت ایشان توانسته است یک معجزه علمی برای قرآن و آیات و روایات ثابت کند. بعد هم کتاب جوان نوشته شد. خلاصه اینکه ایشان در منابع خود نیازها را می‌دید و مطابق نیاز سخن می‌گفت.

ثالثاً: منبر را از حالت التقاطی که در استفاده از جمله بندی صحیح و غیر صحیح بود در آورد و به حالت جمله بندی صحیح تبدیل کرده؛ به گونه‌ای که اگر کسی مطالب منبر او را پیاده می‌کرد، در عین حال که گفتاری بود، متن قلمی هم بود. اگر الان به نوارهای ایشان گوش دهید، جمله‌ها مرتب، منظم و درست می‌باشد. همه اینها سبب شد که مرحوم آقای فلسفی در دل مردم جای بگیرد. بنابراین مرحوم فلسفی مردی است که در تاریخ خطابه و بلاغت و فصاحت، از سازندگان فصاحت و بلاغت است.

س: با تشکر از توضیحات مبسوطی که پیرامون تبلیغ و شخصیت حجة السلام و المسلمین فلسفی ارائه فرمودند، اگر از ایشان خاطره‌ای به یاد دارید، بفرمائید.

استاد سبحانی: ایشان زمان مرحوم بروجردی، در دهه آخر صفر، روزها منزل آقا و شب‌ها در صحن حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) منبر می‌رفتند. صحن تقریباً مملو از جمعیت می‌شد و ایشان حدود یک ساعت و ربع سخنرانی می‌کردند. یک دهه درباره وحی بحث کردند، ولی آنچنان بحث می‌کردند که تمام طبقات مردم اعم از طلبه، دانشگاهی، کاسب و بازاری از آن استفاده می‌کردند.

خداوند این لطف را به ایشان کرده بود که می‌توانست تمام مستمعین خود را اشباع و ارضاء کند. حقایق را در لباس مثل به صورت روشن بیان

می‌کرد. و استقبال عظیمی از منبر ایشان می‌شد.

وقتی که منزل آقا منبر می‌رفت، حضرت امام (رحمة الله علیه) هم گاهی پای منبر ایشان می‌نشست. یادم می‌آید آقای فلسفی یک شب در پایان منبر داشت دعا می‌کرد؛ عده‌ای بلند شدند که بروند؛ ایشان فرمودند: نه، نه، اگر وسط منبرم بلند شوید، بدم نمی‌آید، ولی اگر زمانی که روضه می‌خوانم و دعا می‌کنم، بلند شوید، توهین است. بگذارید دعا کنم بعد بلند شوید.

س: حضرت تعالی با توجه به سفرهای مکرر تبلیغی و نشستهای علمی که داشتید، اگر خاطره‌ای از دوران تبلیغی خود به یاد دارید که برای طلاب جوان مفید باشد، بفرمائید.

استاد سبحانی: من هر جا که رفتم، نیاز آنجا را درک کردم و طبق نیازها گام برداشتم، موفق هم بودم. یادم هست قبل از انقلاب، یک سال ماه رمضان به حرم آباد رفتم؛ دیدم وضعیت حجاب در آنجا خیلی بد است و افراد با حجاب بسیار اندک‌اند. دبیرستانی‌ها، زنان کوچه و بازار بیشتر

گرفتند؟ گفت: با شیوخ قبایل! نظرم هم این بود که آنها را هدایت کنم و این برای زیردستان آنها هم مؤثر است. حضرت فرمود: نکته اشتباه تو همین است، چرا سراغ جوانان نرفتی؟ و همان جمله معروف «علیکم بالاحداث فانهم...» را فرمود. عمرو به بصره برگشت و از همین راه وارد شد و نتیجه هم گرفت.

امروز بیش از ۶۰٪ مردم جامعه ما جوان و نوجوان هستند و سر و کار ما با اینها است. بنابراین مبلغ باید در فکر هدایت جوانان باشد. جوانان مثل موم دست نخورده‌ای هستند که می‌توان آنها را به هر شکلی در آورد. لذا مبلغ باید، منطق جوان را پیاد بگیرد؛ فکر جوان را پیاد بگیرد؛ حوصله‌اش حوصله جوان باشد، تا بتواند با آنها سخن بگوید.

س: با توجه به شناختی که از مرحوم حجه الاسلام فلسفی دارید، ویژگیها و خصوصیات ایشان را برایمان بیان بفرمائید.

استاد سبحانی: مرحوم آقای فلسفی با توجه به سؤالی که از خود ایشان کرده بودم، در سال (۱۳۲۷ هـ ق) متولد شد و سال گذشته که سال (۱۴۱۹ هـ ق) بود فوت کرد و قریب ۹۶ سال عمر نمود. اگر بخواهیم به این مرد نمره‌ای بدهیم، نمره ایشان واقعاً فوق نمره است. هیچگاه بنده نمی‌گویم که ایشان معصوم بوده. قطعاً ایشان معصوم نبود و مثل هر غیر معصومی لغزش‌هایی داشته است. ولی نمره ایشان از نظر معدل، کارآمدی و نتیجه بخشی، فوق العاده بالا است.

این مرد از نظر روحیه اجتماعی، فردی بود که هر کس (فقیر، غنی،

روحانی و غیرروحانی) به درب خانه او می‌آمد و حاجتی می‌خواست، به او نه نمی‌گفت. اگر از دستش بر می‌آمد، برایش کاری انجام می‌داد.

بنده گاهی که به محضر ایشان می‌رسیدم، کسانی را می‌دیدم که می‌آمدند و اظهار حاجت می‌کردند و ایشان هم نه نمی‌گفت. این روحیه (که به محتاجان نه نگوییم) یک روحیه انسان‌خواهی است و انبیاء و اولیاء این روحیه را داشتند. کسی نیست که مقداری با مرحوم فلسفی انس داشته باشد، ولی این قضیه را درک نکند. خیلی انسان‌دوست و رتوف بود. این روحیه، روحیه انبیا است.

خوشبختانه ایشان انسانی بود که علاقه به دنیا نداشت. با اینکه حدود شصت سال منبر می‌رفتند و از منبری‌های معروف هم بودند، اما اگر همه زندگی او را در نظر بگیریم، بسیار ناچیز بود و خیلی زاهدانه زندگی می‌کرد.

نکته آخر اینکه: هیچگاه این زرق و برق تجدد او را از آن زی روحانیت خارج نکرد. همان روحانی پنجاه سال قبل بود. منبر می‌رفت، صحبت می‌کرد، مصیبت می‌خواند، شعر می‌خواند، آهنگ داشت. مردم را می‌گریاند. اینها را منافات با مقام خود نمی‌دانست و افتخار به این هم می‌کرد. الان کسانی هستند که وقتی به آخر سخنانشان می‌رسند، یک ربع مصیبت را کار دیگران می‌دانند، ولی ایشان افتخار می‌کرد که توکر امام حسین (علیه السلام) هست. زمان، او را گول نزد و در زمان غرق نشد، بلکه بر زمان مسلط شد. موج او را غرق نکرد، بلکه تا حدی توانست موج را کنترل کند.

ایشان خدمتشان را نسبت به انقلاب هم انجام دادند. این مرد از همان روز که نطفه انقلاب بسته شد، تا آخر در خدمت انقلاب بود. واقعاً تا آخرین لحظه عمر در خدمت انقلاب بود. البته با انقلاب بودن ایشان به این معنی نبود که با منفی‌های انقلاب هم هماهنگ باشد و تذکر ندهد، بلکه تذکر هم می‌داد. از اینکه بعضی افراد گاهی برایشان خورده می‌گیرند که چرا ایشان در منبرشان چنین و چنان گفته است، نیاید ما آن را برایشان خرده بگیریم، بلکه باید شرایط آن روز را دید، جریان آن روز را دید. آیا مصلحت بوده که چنین حرفی را زده است یا نه؟ ایشان از طریق کسانی؛ مانند: مرحوم بروجردی مأمور به منبر شده بودند. ایشان در اختیار آیةالله

بی حجاب بودند. احساس کردم که نیاز است آنجا درباره زن کار شود. آنگهی کردم که جلسه بانوان در روزهای جمعه تشکیل می شود. در یکی از آن جلسات، بالای منبر رفتم و گفتم: اگر شما همان میزان حجاب شرعی و واجب را هم رعایت کنید، کافی است و ما از شما راضی هستیم. (البته در آن زمان مقید کردن آنها به چادر و امثال آن مشکل بود). این جلسات بسیار اثر گذاشت. در آنجا یک ساختمانی هم به نام «فاطمیه» بنا نهادیم که زمینش را یک نفر بر عهده گرفت و یکی هم آن را ساخت. آنجا بیان احکام شرعی و مسایل دینی می شد، در یک جلسه دیگر بیان کردم که حجاب قفل و زنجیر نیست، بلکه برای شما صیانت است. این حرف ها بر روی دخترها خیلی اثر گذاشت.

به عقیده بنده، اگر روحانی، نیاز را احساس کند و مطابق نیاز قدم بردارد، موفق می شود.

س: بعد از انقلاب، به دلایل مشاغل مختلف فرهنگی و تربیتی و پژوهشی که برای طلاب و فضلاء محترم پیش آمده است، احساس می شود که جاذبه تبلیغ برای مبلغین کمتر شده است و از این ناحیه یک کمبود جدی در پاسخگویی به نیازهای جامعه احساس می شود. به نظر حضرتعالی، حوزه و دستگاههای تبلیغی باید چه شیوه ای را پیش بگیرند که وضعیت تبلیغی ما رونق مجدد بگیرد؟

استاد سبحانی: در مورد فضلاء، اولاً باید سن آنها را در نظر گرفت. «منبر»، خطیبی می خواهد که روح جوان، آهنگ جوان و قدرت و توان جوان داشته باشد. کسانی که در سنین بالای هفتاد و هشتاد هستند، دیگر حالی برای سفر کردن به شهرها و روستاها و تبلیغ و خطابه و منبر به آن نحو را ندارند. جوانها را باید وارد میدان خطابه و منبر کرد. برای جوان ترها هم چون کارهای جنبی دیگری پیدا شده است و امرار معاش از راههای دیگر زیاد شده است، از این جهت احساس نیاز (به تبلیغ) کم شده است.

س: در پایان اگر توصیه ای برای دست اندرکاران برگزاری اجلاس دارید بیان فرمایید.

استاد سبحانی: ان شاء الله این اجلاس را به بهترین وجه برگزار نمایید. بزرگداشت را خیلی الهی برگزار کنید. و کوشش کنید که در برگزاری بزرگداشت مرحوم آقای فلسفی، هیچ نوع مکروهی انجام نشود؛ که روح او ناراحت خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته